

روش نقد - ۴

نقد مکتوبات: آرمان تکامل (مارکسیسم)

علی صفایی حائری (عین. صاد)

www.ketab.ir

www.kotab.ir

صفایى حائرى (عین-صاد) ۱۳۷۱-۱۳۳۰
از سزى روش ها، روسى نقد مکتبها / على صفایى حائرى (عین-صاد)،
قم، انتشارات لیلة القدر، ۱۳۸۸
فیبیا.
نقد مکتبها، آرمان تکامل - مارکسیسم
نقد ادبى
۹۷ ص / ۷۹ ص / PN ۸۱
۸۰ / ۹۵
۱۹۷۲۱-۸۱ م
۹۷۸-۹۶۴-۷۸۰۳-۲۸-۱

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
وضعیت فهرست نویسی
موضوع
موضوع
رده بندی کنگره
رده بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی
شابک

روش نقد - ۴ نقد مکتبها: آرمان تکامل (مارکسیسم)

على صفایى حائرى (عین-صاد)

- چاپ نهم: ۱۴۰۱
- چاپ: عمران
- شمارگان: ۷۰۰
- تلفن مرکز فروش: ۰۲۵-۳۷۷۱۲۳۲۸ / ۰۲۲-۹۱۲۷۴۶۱
- همه حقوق این اثر متعلق به ناشر است



انتشارات لیلة القدر
۰۲۵-۳۷۷۱۲۳۲۸



انتشارات ذکرا
۰۲۱-۸۶۰۴۵۷۸۰

فهرست

۷	توضیح
	تحلیل
۱۳	ماده تا انسان
۱۵	ماده
۲۵	حیات
۳۱	شعور
۳۳	ارگانیسم و محیط
۳۷	فعالیت ذهنی و عالی انسان
۴۱	انسان تا امروز
۴۳	انسان ابتدایی
۴۷	انسان تاریخی
۵۵	انسان انقلابی
۶۱	خلاصه

نقد و ارزیابی

۶۵	ماده و آفرینش
۷۱	خلاصه
۷۵	حیات و تکامل
۸۱	شعور
۹۷	انسان در آغاز
۱۰۳	انسان و تاریخ
۱۱۳	انسان و انقلاب

نقد و ارزیابی

۱۲۳	ارزیابی اصول
۱۲۵	۱- اصل تضاد
۱۲۹	۲- اصل تحول
۱۳۱	۳- تأثیر متقابل
۱۳۵	۴- جهش و تبدیل کمیت به کیفیت
۱۳۶	والسلام

توضیح

تکامل، آرمان عالی انسان پس از آگاهی‌ها و آزادی‌هاست. این آرمان در انسان همراه بهتر طلبی، تنوع طلبی و راحت طلبی و انتخاب او شکل می‌گیرد.

انسان، به خاطر تجدد طلبی و نوگرایی‌اش، به نیازها می‌رسد. این تجدد طلبی یا با تنوع‌ها فریب می‌خورد و یا با تحرک‌ها پیش می‌رود. با شروع حرکت، ناچار با محدوده‌ها و دیوارها و فشارها روبرو می‌شویم و در نتیجه به آزادی می‌اندیشیم. تلقی هر کس از آزادی با دیگری تفاوت دارد؛ چون دیوارها برای حرکت‌ها یکسان نیست. کودک در قنداق از لحظه‌ای که پایش را احساس می‌کند، به آزادی رو می‌آورد تا آنجا که اتاق زندان اوست و سپس منزل و سپس شهر و سپس زمین...
۱- این زندان‌های گوناگون، آزادی‌های گوناگونی را تقاضا می‌کنند و

آزادی در رابطه با قیدها و بندها و زندان‌ها شکل می‌گیرد و مفهوم می‌شود و همین است که برداشت‌ها و تلقی‌ها یکسان نیست و هر کس از آزادی منظوری دارد.

در وسعت آزادی، انسان آزاد می‌تواند حدود را بشکند و سنت‌ها را زیر پا بگذارد و تجاوز کند و به ظلم و جرم، طغیان، عصیان، ذنب، سیئه، خطیئه و... آلوده گردد، که هر مرحله از تجاوز با یک نام همراه است و از یک حالت برخوردار.

در بلبشوی تجاوز و ظلم، نیاز به آزادی شکل تازه‌تری می‌یابد و نیاز به عدل و قسط مطرح می‌شود. با وجود عدالت هر کس به رفاه می‌رسد؛ چون هنگامی که پستان‌ها در زیر تمام لب‌ها قرار گرفت، تمام فرزندان آدم سرشار می‌شوند.

در این مرحله از سرشاری و رفاه است که تکامل خاص انسان شکل می‌گیرد؛ چون انسان با رفاه و برخورداری به پوچی می‌رسد و احساس عبث و بیهودگی، او را به عصیان و سرکشی و می‌دارد؛ آن هم حتی عصیانی در زمینه‌ی سوسیالیسم و همراه رفاه و برخورداری. و با این احساس پوچی است که به خود پناه می‌آورد و از بیرون می‌رمد و درون‌گرایی آغاز می‌گردد.

و در این مرحله از درون‌گرایی، انسان شکل‌های تازه‌تر و پیچیده‌تر و کامل‌تری پیدا می‌کند. انسانی که به بیرون از خویش مشغول بود به

تکامل صنعتی و مادی رسید و به پوچی اول و این انسان که به خود و درون خویش رو آورده، به تکامل انسانی می‌رسد و پوچی دوم.

در هر حال، تکامل مفهوم وسیع و گسترده‌ای دارد.

تکامل، در انسان با تجددطلبی او و انتخاب او مفهوم می‌شود و در

پدیده‌ها همراه سنت‌ها و قانون‌های حاکم بر آن‌ها.

با این دید تمام هستی رو به تکامل دارد؛

چه همراه سنت‌ها و قانون‌ها،

و چه همراه غریزه‌ها،

و چه همراه انتخاب و سنجش.

در پدیده‌های دیگر آشکارا می‌بینیم که چگونه از خاک تا انسان پیش

می‌روند.

در اندام انسان هم می‌بینیم که چگونه شکل می‌گیرد.

اما در شخصیت انسان در آنچه که انسان منهای آن یک سلول، یک

گیاه است باید به تحلیل نشست.

بعضی انسان را، نه در تنهایی، که در جمع مطرح کرده‌اند و تکامل او

را تکامل اجتماعی و وابسته به روابط تولیدی می‌دانند، نه فردی و

لحظه‌ای.

و بعضی انسان را در تنهایی و جدایی‌اش موجودی تکامل‌پذیر

می‌شناسند و برای او طرح دارند.